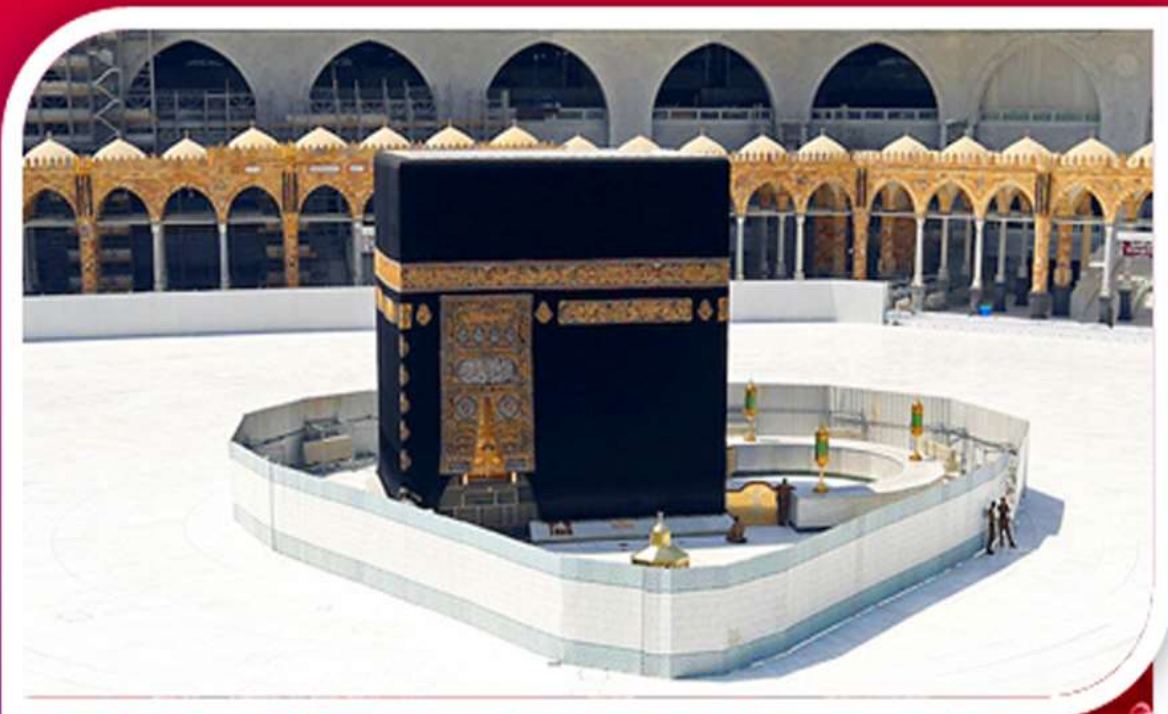


حج و ویروس کرونا



چاپ اول - اپریل 2020

دیپان: الحاج محمد شاہ (پٹمان) سوہد



پتہ: لاہور

کرونا: کوید - 19 (سال 1919)

خواننده محترم!

کرونا: کوید-19، قرار معلومات موجود بشری، ویروس RNA از ویروس های خانواده تاجدار است که به چشم غیر مسلح دیده نمی شود. بیرون از جسم هم تکثیر کرده و دیدن آن به میکروسکوپ نوری ممکن است. به سلول و (آر ان ای) انسان وارد شده و بعد از مدت کوتاه به طور سرسام تکثیر میشود. داخل سلول انسان شده و سلول انسان را به مطابق خواست خویش به کار میگمارد تا این سلول کاملاً از بین می رود.

قرار معلومات ویروس (کوید - 19) (Covid-19= Corona. Virus.Disease-19) در دیسامبر، سال 2019 میلادی در شهر ووهان کشور چین کشف شد که از طریق تنفس هوا از راه دهن، بینی و چشم به اطرافیان سرایت کرده و میکند. قرار معلومات این ویروس در محیط نم ناک، تاریک، سرد و حتی قرار یک معلومات دیگر حتی در محیط خشک، گرم و روشن هم زنده می باشد و برای تکثیر خود محیط و سلولهای موجود زنده را انتخاب کرده و با تأثیر وارد کردن بر آن سیستم دفاعی وجود را فریب داده حرات و سلولهای موجود زنده را از بین میبرد.

عوارض ، علایم ابتدایی این ویروس همانا سرفه خشک و عطسه در جنب آن شخص مبتلا دارایی تب، سرفه ای خشک و خستگی با دردهای جانکاه را دارا می باشد . این مریضی تا حال از طریق گرفتن سمپل و نمونه ترشحات بینی و یا گلو آزمایش و مشخص گردیده میتواند. اجداد و متشابهات بین این ویروس تاحال در سارس (SARS) کشور چین (2003)، میرس (MERS) کشور سعودی و ... دیده و می باشد. دارو ها و تلاشهای مختلف تا حال سفارش شده تا حال به صورت کلینیکی ثابت نه شده.

به صورت منطقی و تأکید بخش از متخصصین ضد عفونی کردن، غره غره آب گرم با نمک، پوشیدن ماسک، قرنطین و سایر تدابیر صحی از جلوگیری و شیوع هر چه بیشتر این مریض نموده است . **والله اعلم**

همه انسانها از هر عمر تحت خطر و تهدید این ویروس قرار دارند، ولی اکثر مبتلایان این ویروس مریضان اند که تکلیف و مشکلات جهاز تنفسی ، قلب ، شکر و غیره ... وبخصوص اشخاص کهن سال و به صورت کل اشخاصیکه سیستم دفاعی وجود شان ضعیف باشد ، بیشتر مورد خطر و تهدید این مریضی قرار می گیرند.

با تأسف باید گفت که این مریضی «جنی» به سرعت خارق العاده در بین اجتماعت مردم ، نشر و شیوع می یابد .

بنابر همین ترس و رعب از شیوع این مریضی است که ادای نماز های جمعه در زیاتر از مساجد بخصوص در کشور های اروپای و امریکا توقف داده شد و از احتمال تعطیل مراسم حج امسال در کشور عربستان مباحثی در جریان است .

در مورد اینکه ویروس کورنا در ادای فریضه حج و نماز های جماعت را

چطور مشکل و ممانعت ایجاد کرده میتواند و حکم ادای فریضه حج چطور حل و کدام راه درست و شرعی است؟ درین رساله ما به حل مسئله کرونا و ادای فریضه حج پرداخته و تلاش میداریم تا جواب درست شرعی درین چوکات خدمت شما تقدیم بداریم. **والله اعلم بالصواب.**

حج و شیوع ویروس کرونا:

قرآن عظیم الشأن در (آیه 96 سوره آل عمران) می فرماید: «**إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وَّضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ**» (بی گمان اولین خانه (عبادتگاهی) که برای مردمان بنا نهاده شد، خانه ایست که در مکه قرار دارد، محل برکت و سبب هدایت برای عالمیان است.)

قرآن عظیم الشأن کعبه را بعنوان اولین خانه توحید و با سابقه ترین مرکز عبادت عمومی برای بشریت در روی کره زمین معرفی و اعلان داشته است، مرکز عبادتی که هیچ معبده پیش از آن مرکز عبادت الله (ج) نبوده است و کعبه با این سابقه مقدس، بر بیت المقدس ترجیح یافت و قبله جهانیان به امر الهی جل جلاله، اعلام گردید.

بصورت کل در قرآن عظیم الشأن ده بار بحث از «حج» با تکرار کلمه «حج» ذکر شده است. نه بار این کلمه با تعبیر «حج» به فتح حا (ویک بار) در آیه 97، سوره آل عمران (با تعبیر) حج به کسر حا بیان شده است.

کلمه «حج» به فتح (حاء) در لغت بمعنی قصد به حرکت است؛ کلمه «محجه» به معنای راه هموار و مستقیمی است که انسان را به مقصد رهسپار می سازد. نظر به اینکه در زیارت کعبه و انجام مراسم آن، قصد سفر و حرکت نهفته است، آن را حج نامگذاری نموده اند.

خواننده محترم!

نباید فراموش کرد که: رفتن و زیارت کردن حج در زندگی یکبار فرض است، و حتی در روایات منفق علیه آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم، پیش از هجرت و بعد از نبوت در مکه مکرمه، و قبل از هجرت بعد از نبوت، صرف یک بار و یا هم دوبار مراسم حج را انجام فرموده اند. (واقدی، محمد بن عمر، المغازی، جلد 3، صفحه 1089، بیروت، اعلمی، چاپ سوم، 1409 ق.).

ولی بعد از هجرت: چهار بار به سفر عمره رفته و آخرین بار آنها همراه حج تمتع بود. (دلائل النبوة، ج 4، ص 92). بنا روایت مشهور؛ پیامبر صلی الله علیه وسلم یک حج تمتع به همراه عمره، در سال دهم هجری انجام دادند که در کتب مستند تاریخ اسلام به «حجة الوداع» شهرت دارد. (تفصیل موضوع: ابن حزم اندلسی، ابو محمد علی بن احمد، جوامع السیرة النبویة، ص 14، بیروت، دار الکتب العلمیة، ؛ دلائل النبوة، ج 5، ص 454؛ سهیلی، عبد الرحمن، الروض الانف فی شرح السیرة النبویة، ج 7، ص 26، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 1412 ق.).

مسلم و ثابت است که سفر به حج و عمره نباید غرض هم چشمی و نه هم تبلیغ و رسانی و نه هم شهرت طلبی، صورت گیرد، نشر و پخش مطالب درین مورد برای تربیه و تشویق امر مفید و خیر می باشد و الله تعالی بر قلبها دانا است. چنانچه میدانیم و گفته آمدیم، سفر به بیت الله شریف صرف یک سفر و پرواز جسم

نیست، بلکه زیارت بیت الله، پرواز جسم مقدمه و وسیله برای پرواز روح است و عملی کردن و اجرای مناسب مقرره مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم امر الهی و ادای وجبیه و فریضه یک مسلمان است.

اما حج « به کسر حا » طوریکه در (آیه 97 سوره آل عمران) آن زکری بعمل آمده است. « **وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا** » (و الله حج خانه کعبه را بر مردمانی که توانایی رفتن به آنجا را دارند واجب گردانیده است) بر کسانی از مسلمانان است که توان رسیدن به آنجا از لحاظ مالی و جانی و وسائل راه را داشته باشند).

کلمه **حج** به معنای قصد زیارت بیت الله است، ولی کلمه حج به معنای نتیجه قصد است؛ یعنی تنها قصد زیارت بیت الله کافی نیست بلکه باید زیارت بیت الله باید ذی معنی و ذی مفهوم و دارای هدف واقعی صورت گیرد.

در سفر حج مقدمه و پیش زمینه حج است و هدف اصلی رسیدن به مقصود و اهداف حج است، باید حج حساب شده و با محتوا به جا آورد نه حج مفهوم و بی محتوا. طوریکه یاد آور شدیم؛ حج یک مسلمان باید يك حرکت عظیم معنوی و حساب شده باشد، که هم جسم و روح در آن به سفر پردازند.

و به عباره دیگر: حج در لغت به معنی اراده زیارت کردن و در اصطلاح عبارت از آن عبادت جامع است که مسلمانان به بیت الله رفته و با خالق یکتا، خویش تعهد می بندد، و خود را به طور کامل به پروردگار خویش می سپرد و خود را مسلمان حنیف می سازد.

تقدس و بزرگی، پاکی و عظمت خانه کعبه هم بخاطر نور الهی و رحمت الهی است که بر بیت الله وارد، گزیده و انتخاب شده است.

بنابراین، قبل از آنکه « حج » يك حرکت صوری، و به اصطلاح یک سفر خشک ظاهری باشد، قبل از آنکه به شکل تمرکز و اساس قرار داده شود، حج به مفهوم واقعی آن يك حرکت درونی و سیر و سیاحت باطنی و خانه کعبه به خاطر نور و رحمت الهی مورد تقدس و عظمت است.

ادای فریضه حج از جمله رکن پنجم اسلام برای مسلمان بوده، و بمثابه حق الله تعالی بر بندگان بر کسانی است که توانایی رسیدن به بیت الله را مطابق رهنمودها و هدایات اسلامی داشته باشند. کسانی که با وجود استطاعت حج نمی کنند، در حقیقت حق خداوند متعال را تلف مینمایند و مرتکب گناه میشوند. حج هجرت است و آنهم هجرت مقدس از همه وابستگی ها و عادت ها بسوی خالق و بسوی فطرت الهی.

فضیلت احسان و هزینه در سفر حج:

بُرَيْدَةَ بْنِ حُصَيْبِ أَسْلَمِي، صحابی جلیل القدر روایت میدارد که: پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: « **الْحَجُّ كَالنَّفَقَةِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: الدَّرَاهِمُ بِسَبْعِمِائَةِ ضَعْفٍ** » مصارف سفر حج مانند، مصارف در راه الله است، که يك درهم، به هفتصد برابر است. بروایت احمد و ابن ابی شیبیه و طبرانی و بیهقی با اسناد حسن.

چنانچه گفته آمدیم حج در طول زندگی صرف يك بار بالای مسلمان واجب است علما اجماع دارند بر اینکه حج در طول عمر هر انسانی یکبار واجب است و تکرار نمی گردد. مگر اینکه کسی نذر کند که در این صورت وفای به نذر بر او واجب می باشد.

پس حج یکبار واجب است و هر چه بیشتر از آن صورت گیرد سنت و داوطلبانه است. حضرت ابوهریره (رض) می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و سلم در ضمن خطبه‌ای برای ما گفت: «یا ایها الناس، إن الله كتب علیکم الحج فحجوا» (ای مردم خداوند بر شما حج را فرض کرده است، پس به حج بروید و فریضه حج را بجای آورید). یکی پرسید: هر سال واجب است ای رسول الله؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم جواب او را نداد، تا اینکه سه بار این پرسش را تکرار نمود.

آنگاه گفت: «لو قلت: نعم، لوجبت، ولما استطعتم» ثم قال: «ذرونی ما ترکتکم، فإنما أهلك من كان قبلكم كثرة سؤالهم، واختلافهم علی أنبیائهم، فإذا أمرتکم بشئ فأتوا منه ما استطعتم، وإذا نهیتکم عن شئ فدعوه» (اگر می‌گفتم: بلی بر شما واجب می‌شد، که هر سال حج بگذارید، و نمی‌توانستید. سپس گفت: درباره چیزی که نگفته‌ام، مرا بحال خویش بگذارید، بیگمان پرسشهای فراوان و اختلاف با پیامبران امتهای پیش از شما را به هلاکت گرفتار ساخت. پس هرگاه شما را به چیزی دستور دادم، آن را تا آنجاکه در توان دارید انجام دهید و هرگاه شما را از چیزی نهی کردم، آن را به کلی ترک کنید). (بروایت بخاری و مسلم).

حضرت ابن عباس می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و سلم در ضمن خطبه‌ای برای ما گفت: «یا ایها الناس كتب علیکم الحج» (ای مردم حج بر شما واجب شده است)، اقرع بن حابس برخاست و گفت: هر سال واجب است ای رسول الله؟ فرمود: «لو قلتها لوجبت، ولو وجبت لم تعملوا بها، ولم تستطیعوا، الحج مرة، فمن زاد فهو تطوع» (اگر می‌گفتم: بلی، واجب می‌شد و اگر واجب می‌شد نمی‌توانستید بدان عمل کنید، حج واجب در همه عمر یکبار است و هرکس بیش از یکبار حج بگذارد، داوطلبانه و سنت است) بروایت احمد و ابوداود و نسائی و حاکم که آن را تصحیح کرده است.

آیا وجوب حج فوری است و یا به تراخی و فرصت؟

امام شافعی، امام ثوری، امام اوزاعی و امام محمد بن الحسن گفته‌اند وجوب حج بر سبیل تراخی است پس با تأخیر می‌توان آن را انجام داد یعنی همینکه شرایط وجوب حاصل شد لازم نیست که فوراً انجام گردد، بلکه در هر وقت از طول زندگی می‌توان بدان مبادرت ورزید و تأخیر در آن موجب گناه نیست، مشروط بر آنکه پیش از مرگ موفق به انجام آن شود زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم حج را تا سال دهم بتأخیر انداخت، که در آن سال زنان خود را همراه خویش برد و بسیاری از یاران هم او را همراهی می‌کردند، با وجود اینکه حج در سال ششم هجری واجب گردید. اگر وجوب حج بر سبیل فوریت بود، پیامبر صلی الله علیه و سلم آن را بتأخیر نمی‌انداخت.

امام شافعی گوید: ما بدین مطلب استدلال می‌کنیم که: حج در طول زندگی یکبار واجب است که ابتدای زمان انجام آن، زمان بلوغ و انتهای آن، پیش از مرگ است. امام ابوحنیفه و مالک و احمد (رحمت الله علیهما اجمین) و بعضی از یاران شافعی و ابویوسف می‌گویند، وجوب حج فوری است یعنی همینکه بر کسی واجب شد، باید هر چه زودتر اقدام به انجام آن کند و تأخیر موجب گناه است. زیرا ابن عباس می گوید: پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: «من أراد الحج فلیعجل، فإنه قد یمرض المریض، وتضل الراحلة، وتكون الحاجة» (هرکس می‌خواهد حج بگذارد، شتاب کند زیرا ممکن است مریضی پیش آید یا راحله و مرکب گم شود، یا فقر و نیاز پیش آید).

دیگران این حدیث‌ها را حمل بر ندب و سنت بودن تعجیل در انجام آن کرده‌اند که مستحب است. مکلف هر وقت توانائی انجام آن را داشت زودتر بدان مبادرت ورزد.

شروط وجوب حج:

شروط وجوب حج پنج است:

- 1 - مسلمان بودن.
 - 2 - بالغ بودن.
 - 3 - عاقل بودن.
 - 4 - آزاد بودن یعنی اینکه برده نباشد.
 - 5 - استطاعت مالی و بدنی و امنیتی راه رسیدن به مشاعر مقدسه.
- و برای زن شرط ششم بر او اضافه می‌شود و آنهم وجود محرم با او حال اینکه آن محرم شوهر او باشد و یا یکی از افراد خانواده که بر او محرم می‌باشند و نمی‌توانند با از ازدواج کنند چه از طریق نسب و چه از طریق سبب مآئند: (پدر، برادر، کاکا، ماما، شوهر مادر، شوهر دختر، پسر، پسر برادر، پسر خواهر) همه اینها چه اینکه از شیر خواری باشند و یا از نسب.
- حریت و آزاد بودن - یعنی برده و غلام نبودن - شرط وجوب حج است؛ چون حج عبادتی است که مقتضی صرف وقت و زمان زیادی می‌باشد و استطاعت و توانائی جسمی و مالی نیز شرط آن است، در حالیکه عبد و برده، مشغول انجام خدمات اربابش می‌باشد و استطاعت مالی ندارد و قرآن کریم به شرط بودن استطاعت و توانائی، تصریح فرموده است: « و لله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً » (برکسی که استطاعت دارد واجب است که خانه کعبه را زیارت کند).

استطاعت چیست؟

- استطاعت و توانائی که شرط وجوب حج، می‌باشد عبارتند از:
- 1- مکلف باید تن سالم داشته باشد، اگر کسی بعلت پیری یا ناتوانی جسمی یا هم مریضی که امیدی به بهبودی و صحت‌مندی در آن نباشد، و از انجام حج عاجز و ناتوان گردید. ولی اگر ثروتی در اختیار داشته باشد میتوان شخصی دیگری به جای خود، به ادای مراسم حج اعزام بدارد.
 - 2- راه باید امن و امان باشد، طوریکه حاجی، بر جان و مال خویش ایمن باشد. اگر کسی خوف از دزدان و راهزنان داشت یا از شیوع مریضی بطور مثال از مبتلا شدن از « وبا ویا ویروس کرونا) در خوف و نگران باشد، و یا هم اینکه در راه تلاف و یا از خوف اینکه مالش را به دزدند، بناً او مستطیع نیست و توانائی انجام حج را ندارد.
- درباره عوارض و مالیاتی که از حجاج گرفته می‌شود، علماء اختلاف دارند که عذر ساقط کننده حج است، یا عذر ساقط کننده وجوب حج نیست؟ مطمئناً بحث و تمرکز ما بر حج واجب است که در زنده گی یکبار با در نظر داشت تراخی می‌باشد.
- امام شافعی (رحمت الله علیه) و دیگران آن را عذری ساقط کننده حج می‌دانند، اگرچه این مالیات و عوارض و امثال آن، اندک هم باشد.
- مالکیه گفته‌اند وقتی می‌تواند عذر بحساب آید، که در اخذ آن اجحاف باشد یا تکرار گردد.
- 3 - 4 - داشتن توشه و وسیله سواری، ایاب و ذهاب (وسیله رفت و آمد) :
- درباره توشه و آذوقه گفته‌اند: باید آنقدر داشته باشد که برای تندرستی خود و نفقه خانواده

و افراد تحت تکلف وی کافی باشد و مازاد بر حوائج اصلی و ضروری او باشد از قبیل مسکن و لباس و وسیله ایاب و ذهاب و وسیله کسب و کار، تا اینکه این فریضه را انجام می‌دهد و برمی‌گردد.

درباره وسیله سفر گفته‌اند: باید قادر باشد وسیله ایاب و ذهاب (آمد و رفت) از طریق زمین یا بحر یا هوا را تأمین کند. البته این شرط برای کسانی است که از نقاط دور بمکه می‌روند نه برای کسانی که ساکن مکه می‌باشند و چون برای کسانی که خیلی نزدیک هستند تهیه وسیله ایاب و ذهاب شرط نیست چون بدون وسیله هم می‌تواند حج را بگذارد. (نباید لباس و کالاهای ضروری و لازم و خانه و ابزار کار را برای حج بفروشد، بلکه باید هزینه سفر حج مازاد بر اینها باشد).

در بعضی از روایات آمده است که، پیامبر صلی الله علیه و سلم استطاعت سبیل را به توشه و وسایل ایاب و ذهاب تفسیر کرده است. حضرت انس (رض) می‌فرماید که از: پیامبر صلی الله علیه و سلم سؤال شد که معنی سبیل در آیه چه است؟

فرمود: «الزاد والراحلة» (توشه و مصارف سفر و ایاب و ذهاب). دارقطنی آن را روایت و تصحیح کرده است.

حافظ ابن حجر گفته است راجح آنست که این حدیث مرسل باشد، ترمذی هم آن را از قول ابن عمر نقل کرده است که در اسناد آن ضعفی هست. عبدالحق همه طرق روایت این حدیث را ضعیف دانسته و ابن المنذر گفته است این حدیث بطور مسند ثابت نشده است. پس صحیح آنست که مرسل باشد.

علی بن ابی طالب گوید: پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: «من ملك زادا وراحلة تبلغه إلى بيت الله ولم يحج، فلا عليه أن يموت إن شاء يهوديا، وإن شاء نصرانيا» (هرکس هزینه و توشه و وسیله ایاب و ذهاب داشته باشد و به حج نرود، فرق نمی‌کند، می‌خواهد چون یهودی بمیرد یا چون نصرانی) زیرا الله تعالی می‌فرماید: «ولله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلا» بروایت ترمذی که در اسناد آن «هلال» بن عبدالله می‌باشد که مجهول است و حارث است که شعبی و دیگران او را، دروغگو دانسته‌اند. این احادیث اگرچه همه ضعیف هستند ولی اکثر علما بر آنند که داشتن توشه و هزینه ایاب و ذهاب، برای کسانی که از مکه دور هستند شرط وجوب حج می‌باشند. پس اگر کسی آنها را نداشته باشد، حج بر وی واجب نیست. ابن تیمیه گوید: این احادیث از طرق نیکو مسند و مرسل و موقوف هستند و دلالت دارند بر اینکه وجود توشه و وسیله ایاب و ذهاب مبنای وجوب حج هستند، با اینکه پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌دانست که بسیاری از مردم می‌توانستند پیاده هم به حج بروند. بعلاوه خداوند درباره حج گفته: «من استطاع إليه سبيلا» یا مقصود قدرت و توانائی معتبر در همه عبادات است یا چیزی زاید بر آن. اگر مراد اولی باشد، احتیاجی به این قید نبود، همانگونه که در نماز و روزه از این قید سخنی نرفته است، پس مقصود توانائی زاید بر آن توانائی و امکانی است، که در دیگر عبادات معتبر است و عبارت می‌باشد از توانائی مالی گذشته از آن، حج عبادتی است که نیاز به طی مسافه دارد، بنابراین داشتن توشه و وسیله ایاب و ذهاب شرط آن است، همانگونه که در جهاد نیز این شرط هست. پس بقیاس بر جهاد هم استطاعت شرط وجوب حج است، دلیل شرط توانائی برای وجوب جهاد که اصل این قیاس است، آیه قرآن است: «ولا على الذين لا يجدون ما ينفقون حرج» (کسانی که نفقه زندگی و زاد و راحله ندارند، بر آنان حرجی و

باکی نیست که به جهاد نروند) و «ولا علی الذین إذا ما أتوک لتحملهم، قلت لا أجد ما أحملکم علیه» (کسانی که پیش تو آمدند و گفتند: وسیله ایاب و ذهاب برای جهاد نداریم و تو بدانان گفתי من وسیله‌ای ندارم که در اختیار شما بگذارم. بر آنان گناهی نیست که به جهاد نروند) ..

در مذهب الأحکام – تألیف: السید عبد الأعلى السبزواری آمده است: اگر کسی توانائی مالی داشت که زاد و راحله یعنی توشه و وسیله ایاب و ذهاب، تهیه کند ولی بدان مبلغ برای بازپرداخت دین و قرض نیاز داشت، خواه این قرض وقت آن رسیده باشد یا وقتش نرسیده باشد، در این صورت حج واجب نمی‌شود، زیرا قرض اگر وقتش رسیده باشد فوریت دارد ولی در حج وجوب فوری نیست، پس پرداخت قرض مقدم است و قرضیکه وقتش نرسیده باشد، ممکن است که اگر به حج برود، بوقت رسیدن وعده پرداخت قرض، قادر بدان نباشد، لذا آنهم بر حج مقدم است. باز هم گفته است: اگر به هزینه زاد و راحله، برای تهیه مسکن ضروری یا پرداخت مزد خدمتکار ضروری، نیاز داشت، باز هم حج واجب نمی‌گردد. اگر نیاز به ازدواج داشت و خوف زنا داشت، از دواج بر حج مقدم است، چون نیاز بدان فوریت دارد. اگر به هزینه زاد و راحله برای تجارت جهت تهیه مصارف ه زندگی، ضرورت داشت ابوالعباس بن صریح گوید: در این صورت هم حج واجب نیست، چون بدان احتیاج دارد و آنهم بمنزله مسکن و خادم است.

در معنی آمده است: اگر کسی بر شخصی پولدار و غنی قرض داشت که از پرداخت قرض خود داری نمی‌کرد و آن وام برای هزینه حج کفایت می‌نمود، حج بر او واجب می‌شود، چون توانائی دارد. اگر قرضدار چیزی نداشته «معسر» (تنگدستی و درسختی) باشد یا وصول قرض ممکن نباشد، بر او حج واجب نمی‌شود.

امام شافعی (رح) می‌فرماید: اگر کسی قادر به تهیه وسیله ایاب و ذهاب نباشد، و شخص دیگر حاضر شد که بدون عوض وسیله به وی بدهد، لازم نیست که آن را قبول کند. چون تحمل منت هم دشوار است، و پذیرفتن آن منت را بدنبال دارد. مگر اینکه فرزندش حاضر باشد امکانات سفر حج را در اختیار وی بگذارد. در این صورت باید آنرا بپذیرد و حج بروی لازم و واجب می‌شود، زیرا در این صورت منت منتفی است.

ولی حنابله بدین عقیده اند: با بخشش کمک دیگران مطلقاً حج واجب نمی‌شود و استطاعت حاصل نمی‌گردد خواه بخشنده امکانات، بیگانه باشد یا خویشاوند، خواه زاد و راحله به وی دهند یا هزینه آن را.

ویروس کرونا «کُویِد ۱۹» و مراسم حج :

کشور عربستان سعودی و وزارت حج و اوقاف این کشور بعد از شیوع ویروس کرونا که در شهر ووهان کشور چین آغاز شد و با بسیار سرعت خارق العاده در سراسر جهان امریکا، استرالیا و کشور های اروپایی و کشور های آسیایی و افریقای شیوع یافت .

مریض صفر و ویروس کرونا :

مریض صفر :

قبل از همه باید گفت که :اصطلاح اطلاق مریض صفر به شخصی مریضی اطلاق می شود که به مریضی ویروسی یا میکروبی مبتلا شده باشد . شناسایی این شخص از این لحاظ مهم است که می‌تواند اطلاعات مفیدی درباره شیوه، مکان و دلیل انتقال عامل

مریضی به انسان در اختیار بگذارد. شناخت مریض صفر نقش مهمی در جلوگیری از انتقال مریضی به دیگران و شیوع امراض جدید در آینده ایفاء می‌کند.

امامریض صفر و ویروس کرونا :

در مورد اینکه مریض صفر کورنا کی بود ؟ جواب ساده و کوتاه همین است که نمی دانیم . مقامات مسول کشور جمهوری چین ابتدا گفته بودند که اولین مورد ابتلا به ویروس کرونا روز 31 دسامبر کشف شده بود و خیلی از موارد بعدی این مریضی عفونی به بازار حیوانات که (شامل حیوانات بحری و خشکه) می شود در شهر ووهان در ولایت هوبی موقعیت دارد ، می‌شد.

ابته این منطقه مرکز شیوع مریضی کورنا است و ارقام را که پوهنتون جان هاپکینز نشر نموده ، نشان می‌دهد که ، حدود 82 درصد موارد کشف شده در چین و دیگر کشورها در اینجا متمرکز بوده است.

اما بررسی‌های صورت گرفته توسط محققین چینی که نتایج این تحقیق در مجله مشهور طبی بنام « آنست » منتشر شده است ادعا می‌کند که اولین شخص مبتلا به این ویروس در روز 1 دسامبر 2019 تثبیت شده بود و هیچ ارتباطی هم با این بازار نداشت . و «و ونجوان» ، یکی از اطباء مشهور و مهم شفاخانه جینینتان و یکی از نویسندگان مشهور طبی به رادیو بی‌بی‌سی بخش زبان چینی طی مصاحبه گفته است که این مریض کهن سال مبتلا به آلزایمر بود.

به گفته دکتر ونجان « محل زندگی او فاصله خیلی زیادی با آن بازار داشت و به خاطر مریضی آلزایمر هم اصولاً از خانه بیرون نمی‌رفت» . او در ادامه می‌افزاید : سه نفر دیگر که نیز در روزهای بعد علائم این مریضی را نشان می‌دادند که دو نفرشان هیچ ارتباطی با این بازار نداشتند .

البته محققان بدین نظراند : که از 41 مریض که در ابتدای شروع مریضی در شفاخانه بستری شده بودند، 27 نفر «به نوعی با این بازار در تماس بوده‌اند.» بر بنیاد تحقیقات که سازمان صیحه جهان انجام داده اند ، بدین عقیده اند که : محتملترین فرضیه این است که نقطه شروع انتشار این ویروس بازار متذکره می باشد، اپیدمی ویروس کرونا، به احتمال زیاد از یک حیوان زنده به انسان منتقل شده باشد و سپس هم از انسان به انسان دست به دست شده باشد. (بخش جهانی بی‌بی‌سی 27 فبروری 2020)

به همه حال اینکه (اپیدمی ویروس کرونا) از کجا و توسط کی آغاز شد ، تاثیرات بی سابقه و محدودیت های بینظیری را بر روابط بشری و از جمله بر عبادت دینی و مذهبی از جمله مسلمانان، آنهم در ادای نماز های روز جمعه و سایر عبادات و نماز های پنجگانه در مساجد ، هکذا محدودیت های بر تجمعات روزهای یکشنبه کلیسا ها و بصورت کل بر مراکز عبادتی سایر ادیان ابراهیمی و بشریت به انواع مختلف از جمله کلیسا، کنیسه ، مندر و سایر مراکز عبادی هندو ها از جمله درمسال ها بعمل آورد . در این میان طواف کعبه شریفه و حضور درمسجد نبوی در مدینه منوره که : اینک بعد از 1400 سال به روی حجاج وزایرین محدود و مسدود گردید .

به همین ترتیب طوریکه در فوق هم یاد اور شدیم ؛ وزارت امور خارجه عربستان سعودی بتاريخ 28 ماه فبروری 2020 اعلام داشت که : برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا محدودیتها روی انجام مراسم حج و عمره را مورد بررسی قرار خواهد داد.

تاریخچه تعطیلی مراسم حج:

خواننده محترم!

مؤرخین و سیرت نویسان می نگارند که: مریضی های ساری در طول تاریخ عبادت مسلمانان را در مکه معظمه (طواف بیت الله و مسجدالحرام)، به علت اشتراک تعداد زیاد از حجاج وزائرین، که از مناطق مختلف جهان در مراسم حج به مکه معظمه و مدینه منوره سرازیر می شوند، مورد تهدید، و احیناً مورد تعطیل قرار داده است. و قابل پیش بینی هم است که مریضی های مختلفه بخصوص امراض جهاز تنفسی و امراض معدوی (امراض کولرا، انفلوانزا، مننژیت، و ویروس امروزه کرونا) به سرعت با نزدیک شدن دربین انسانها و بخصوص دربین حجاج انتقال و شیوع میگردد. مؤرخین می نویسند در مکه معظمه الی تأریخ امروزی ما، تقریباً چهل بار حالات و حوادثی (اعم از مریضی ساری و غیر مریضی) پیش آمده است که به تأسف مراسم حج و عمره مسلمانان رابه تعطیل و سایر مشکلات مواجه ساخته است. در مکه معظمه تا اکنون 40 بار حالات و حوادثی پیش آمده است که مراسم حج و عمره قسماً و یا هم بطور کلی مورد تعطیل قرار گرفته است: که ما برای توضیح بیشتر ببرخی از این حوادث توجه خوانندگان را جلب می داریم:

سیلاب ام نهشیل و تعطیل مراسم حج:

سیرت نویسان می نویسند که: در زمان خلیفه دوم اسلام امیرالمؤمنین حضرت عمر(رض) سیلابی قوی از شمال کعبه به داخل مسجد الحرام شریف سرازیر شد. شدت و قوت این سیلاب به حدی زیان آور و خطرناک بود که حتی مراسم حج را در همین سال به تعطیلی مواجه ساخت، بر اثر این سیلاب مقام ابراهیم از محل اش کنده و آنرا سیلاب با خود برد. حتی جای آن نیز به کلی از بین رفت. بعدها در اطراف مکه آن را یافتند و خلیفه دوم اسلام حضرت عمر (رض) این مقام را در جای خود قرار داد. این سیلاب، دختر یکی از بزرگان مکه را نیز با خود برد و جسد او در پایین مکه یافتند. این دختر «أم نهشیل» نام داشت. بناً مردم مکه این سیلاب را نیز به نام او نامگذاری و در تاریخ مکه بدین نام ثبت گردید. در همان سال بند آبی اعمار گردید، تا مانع از قوع همچو سیلاب ها در اطراف حرم شریف گردد.

قابل تذکر است که: این آخرین سیلاب نبود که مراسم حج را برای زائرین حج به تعطیل مواجه ساخته است، بلکه سیل های دیگری از جمله: سیلاب عظیمی در سال 1039 در مکه سرازیر شد، و سه دیوار کعبه را ویران کرد. همچنان به اثر این سیلاب در حدود چهار 4000 نفر حاجی وفات یافت. سلطان مراد چهارم عثمانی اقدام به بازسازی کعبه کرد. در زمانه جنگ دوم جهانی بار دیگری سیلاب مدهوشی دیگری در مکه رخ داد که در نتیجه طواف کعبه را برای حجاج به تعطیلی مواجه ساخت.

جنگ و خشونت:

تنها سیلاب ها و طوفانها در مکه نبودند که مراسم حج و طواف کعبه را در طول تاریخ به تعطیل مواجه ساخته است، بلکه خشونت های انسانی در برخی از اوقات عبادت و مراسم

حج و طواف مسلیمن را در کعبه اختلال نموده است.
از جمله یکی از این خشونت‌ها توسط حجاج بن یوسف ثقفی رخ داد. داستان این خشونت طوری بود که: پنجمین خلیفه بنی‌امیه «عبد الملک بن مروان (26 - 86 قمری) پنجمین خلیفه اموی که پس از مرگ پدرش مروان بن حکم در سال 65 قمری به خلافت رسید و 21 سال خلافت کرد.

عبدالملک بن مروان وقتی که دید عبدالله بن زبیر حاضر به بیعت با او نیست، فرمان به قتل او داد. اما عبدالله بن زبیر برای نجات جان خود به خانه کعبه پناه برد. خلیفه بنی‌امیه حرمت خانه کعبه را هم مراعات نداشت و به والی خویش در بصره هدایت فرمود، تا به مکه رفته و ابن زبیر را به قتل برساند.

طوری‌که حجاج بن یوسف، والی او در بصره بود و به خونریزی و سفاکی نیز شهرت داشت، وی با دریافت این فرمان، حجاج مردم بصره را برای برگزاری نماز جمعه به مسجد بزرگ شهر فراخواند و در خطبه نماز به آنان گفت: دانسته باشید که خلیفه، سفاک‌ترین والی خودش را برای انجام مأموریتی بزرگ برگزیده است و این برگزیده او منم. او گفت هر کس که او را در این اقدام همراهی نکند، سرش بریده خواهد شد. چند روز بعد وی به همراه با لشکری بزرگی عازم مکه شد و بی‌درنگ خانه کعبه را در محاصره خویش درآورد، و حتی آنرا به منجنیق بست. چند روز تمام این اقدام به انجام رسید تا اینکه راه ورود به خانه کعبه باز شد و حجاج به همراه لشکریان اش وارد آن شده و در نهایت عبدالله بن زبیر را دستگیر، و مطابق فرمان سر او بریدند. آنها جنایت بسیاری کردند و خادمان مسجدالحرام را نیز به قتل رساندند. غارتگری‌های بسیاری صورت گرفت و تا مدت‌ها فضای ناامنی در شهر مکه حاکم بود.

گروگان‌گیری حجاج در سالهای 1358 هجری :

در سال 1385 هجری گروهی به مسجدالحرام حمله کرده و حجاج را به گروگان گرفتند. این گروه از بنیادگرایان اسلامی و مخالف دولت عربستان سعودی بودند. آنها معتقد بودند که محمد عبدالله القحطانی، منجی اسلام یا همان مهدی موعود است و همه باید از او اطاعت کنند.

رهبری وزعامت این گروه را شخصی بنام «جهیمان العنیتی» بدوش داشت. محمد عبدالله القحطانی که از او به‌عنوان مهدی موعود نام برده می‌شد، شوهر خواهر جهیمان بود. جهیمان العنیتی می‌گفت که القحطانی همان مهدی است که بازگشته است تا اسلام را نجات دهد. آنها به برخی از احادیث نیز استناد می‌کردند. حتی روزی را برای این اقدام خود انتخاب کردند که با برخی از احادیثی که نزد خود داشتند، منطبق بیاید.

بالاخره در صبح 20 نوامبر 1979 زمانی که امام جماعت مسجدالحرام قصد اقامه نماز با حضور نزدیک به 50 هزار نفر را در آخرین روز حج بدوش داشت، شورشیان که نزدیک به پانصد نفر بودند، اسلحه‌های خود را بیرون آورده و دروازه‌ها را بستند و به مأموران حمله کرده و چند نفر از آنان را کشتند. نیروهای امنیتی عربستان از این اتفاق اطلاع پیدا کردند، اما برای حضور در مسجدالحرام و حمله به شورشیان، نیاز به اجازه علمای مذهبی داشتند؛ چرا که اعمال خشونت در مسجدالحرام روا نبود. علماء اجازه را صادر کردند. نیروهای امنیتی سعی در ورود به مسجدالحرام داشتند، ولی ناموفق بودند. می‌گویند مقامات امنیتی غرض رام ساختن این بغاوت از نیروی امنیتی خبیرکماندوهای

فرانسوی که از جمله سه نفر بودند برای این مأموریت در نظر گرفتند. ولی باز هم ورود به بیت‌الله الحرام با مشکل مواجه بود، چرا که ورود غیر مسلمانان به مسجدالحرام ممنوع است. چاره را در این یافتند که نیروهای فرانسوی در مراسمی تشریفاتی به دین اسلام گرایش پیدا کنند. مقاومت و درگیری سختی و شدیدی رخ داد. نیروهای سعودی در نهایت اقدام به حفر سوراخ در حیاط مسجدالحرام کردند و به درون اتاق‌های زیرزمینی نارنجک اشک آور استفاده نمودند، که به اثر آن تعداد از حجاج جان باختند. همچنان این امر باعث شد که تروریستان تعداد زیاد از حجاج را داخل حرم به گروگان بگیرند. ولی در نهایت مقامات نیروهای امنیتی، توانستند برخی شورشیان را با گلوله از پا در آورند. پس از دو هفته همه شورشیان خود را به مقامات امنیتی تسلیم داشتند. برخی از تاریخ نویسان می‌نویسند که: در این حادثه تروریستی به تعداد 127 نفر از نیروهای امنیتی و 250 از شورشیان بقتل رسید. و الله اعلم

دزدیدن حجر الاسود در سال ۹۳۰ میلادی:

در سال 317 هجری، حکومت قرامطه به مکه مکرمه حمله کردند و حجر الاسود را از محل اصلی اش کردند و با خود به سرزمین خودشان، بحرین بردند. طوریکه حجر الاسود بعد از 22 سال در سال 339 هجری دوباره به مکه برگردانده شد. قرامطه گمان می‌کردند که سنگ حجر الاسود از دوران جاهلیت و نوعی بت پرستی است و به همین خاطر در یوم الترویبه سال 318 هجری ابوطاهر قرمطی که حاکم بحرین و رهبر قرامطه بود به مکه حمله کرد و در آن زمان مردم در حال احرام بودند که او حجر الاسود را از جا بیرون کند، و آنرا به منطقه هجر (قطیف کنونی) فرستاد و حدود ۳۰ هزار حاجی را هم کشت و در حال کشتن مردم و حاجیان می‌گفت من بزرگتر از خدایم، او مردم را می‌آفریند و من می‌کشم. او علاوه بر این می‌خواست مقام ابراهیم را نیز بدزد که خادمان کعبه آن را پنهان کردند. قرامطه نه تنها به بردن حجر الاسود به منطقه (قطیف کنونی) اقدام کردند، بلکه آنان در سال 318 هجری حجر الاسود را در خانه ای بزرگ در قطیف قرار داده بودند و گفتند حج باید در قطیف انجام شود و به اهالی قطیف دستور دادند گرد و دورادور آن خانه حج بجا بیاورند، اما اهالی قطیف نپذیرفتند و بسیاری از آنها به این خاطر کشته شدند.

شیوع طاعون در سال 1814 هجری:

در سال 1814 هجری طاعون خطرناکی در مکه معظمه شیوع یافت، که به اثر آن در حدود هشت هزار نفر حاجی و زائر در حجاز وفات یافت. طاعون از جمله امراض مهلک خطرناک ساری عالم گیری است که معمولاً در بین انسان و حیوان مشترک می‌باشد. این مریضی در طول تاریخ بارها به وقوع پیوسته و در طول تاریخ باعث تلفات تعدادی زیادی از انسانها گردیده و بحران‌های شدید اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در جهان به بار آورده است. از معروفترین شیوع میتوان از طاعون که در سالهای 749 رخ داد. و طاعون دیگری که در سال 764 شیوع یافت، نام برد. معاذ بن جبل می‌گوید از رسول صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: به شام خواهید رفت و آنجا را فتح خواهید کرد، ولی نباید فراموش کنی که در آنجا مریضی است مثل

مريضی «دمل» یا «حزة» که موجب هلاکت انسانها می‌کردد، و این اشاره ای است به مرض ساری طاعون، و «یستشهد الله به انفسهم و یزکی به اعمالهم» شهادت نصیب آنان شده و اعمالشان تزکیه و پاک می‌شود. (مواخذ: کتاب ما رواه الواعون فی اخبار الطاعون: السیوطی (جلال الدین، ابو الفضل، عبد الرحمن بن ابی بکر بن محمد المصري) المتوفی 911 هجریه ص 146 از مسند احمد).

در روایتی دیگر که آن هم پیشگویی رسول صلی الله علیه وسلم نسبت به طاعون عمواس است، نام این منطقه اصلاً ناحیه «جاییه» بوده، و در این منطقه مرض ساری مشابه «غدة الجمل» شیوع یافت که بر اثر آن تعداد کثیری از مردم به شهادت رسید. (صفحه 146 کتاب ما رواه الواعون فی اخبار الطاعون: السیوطی - روایت طبرانی) طاعون عمواس، اولین طاعون بزرگی بود که مسلمانان با آن درگیر شدند و ضمن آن تعداد زیادی از صحابه جانشان را از دست دادند. شهر عمواس طوری که یاد اور شدیم شهر است در فلسطین که در میان قدس و رمله موقعیت دارد؛ شهری که اولین بار طاعون در آنجا دیده شد و از آنجا به سراسر شام بسط و شیوع یافت. البته برخی گفته اند که شهر غزه فلسطین اولین جایی بود که طاعون در آن شیوع یافت. (صفحه 175 کتاب ما رواه الواعون فی اخبار الطاعون: السیوطی).

طاعون عمواس، که در همه منابع تاریخ صدر اسلام که حوادث این دوره را نوشته اند تذکر یافته است، در این هیچ جای شکی نیست که طاعون، مرگ و میر و تلفات بزرگی انسانی با خود داشت. از قضا همان سال یک قحطی هم در مدینه آمد که تلفاتی بسیاری داشت و نام عام الرماده روی آن گذاشته شد.

در طاعون عمواس کسانی چون ابو عبیده جراح، معاذ بن جبل، شرحبیل بن حسنه و بسیاری از صحابه هم به شهادت رسیدند.

همچنان در داستان مسافرت امیر المومنین حضرت عمر (رض) به شام آمده است: که این سفر در حالی بود که شیوع طاعون به شدت اش شیوع یافته بود، در میان تعداد از صحابه مخالف مسافرت حضرت عمر (رض) به این منطقه بود، اگرچه تعداد از صحابه اصرار بر رفتن شان به این منطقه داشتند. در نهایت حضرت عمر (رض) ترجیح داد که به این سفر ادامه ندهد: گفته اند که عبدالرحمن بن عوف حدیثی از رسول صلی الله علیه وسلم نقل کرد که: **وقتی طاعون در منطقه ای می‌اید، آنها که بیرون از آنجا هستند وارد نشوند و کسانی که داخل هستند، حق فرار را ندارند و شهید تلقی می‌شوند.** در ادامه روایت آمده است: وقتی حضرت عمر (رض) بازگشت، ابو عبیده اعتراض کرد: آیا از قدر الله می‌گریزی؟ حضرت عمر (رض) جواب داد: که هر نوع انتخابی میان دو انتخاب، نوعی پذیرفتن قدر الله است. او به ابو عبیده گفت: اگر تو شترانت را برای چرا در زمین سرسبز یا یک زمین خشک ببری، هر کدام را انتخاب کنی، در واقع تسلیم قدر الله شده ای (بخاری و مسلم - صفحه 160 کتاب کتاب ما رواه الواعون فی اخبار الطاعون: السیوطی).

در نقل متفاوت دیگری آمده است که ابو عبیده به او گفت: همراه شما بزرگان از صحابه هستند و پشت سر ما «حریق النار» است. بهتر است امسال را بگردید. او برگشت و سال بعد آمد (صفحه 162 کتاب کتاب ما رواه الواعون فی اخبار الطاعون: السیوطی)

وباء «الماشری» در سال 357 هجری:

مؤرخین می نویسند که در سال 357 هجری وباء خطرناکی در مکه بنام «الماشری» به وقوع پیوست که به اثر آن تعداد زیاد از مسلمانان وفات کردند. شیوع مریضی در سال 357 قمری در حرمین شریف از جمله عوامل بود که مراسم حج به تعطیل برود.

به اثر شیوع این مریضی ساری نه تنها تعدادی زیاد از حجاج وفات یافتند، بلکه شتران حجاج مصر و شام نیز تلف گردیدند. و همین عامل بود که تعدادی زیاد از حجاج از رسیدن به مکه مکرمه باز ماندند. و مراسم حج برای زائرین مصری و شامی تعطیل گشت. (حافظ ابن کثیر: البدایة و النهایه، جلد 11، صفحه 265).

شیوع وباء هندی در سال 1831:

به اثر وبای که در سال 1246 هجری در مراسم حج شیوع یافت منجر به مرگ سه چهارم حجاج گردید، میگویند این وباء از کشور هند به عربستان سعودی سرایت کرده بود.

(قابل تذکر که وباء، مرگامرگی یا کالرا به انگلیسی «Cholera» عفونت است که در روده خورداز طریق آب توسط باکتری «ویبریوکلرا» ایجاد می شود، این باکتری اکثراً از طریق آب و سایر مواد خوراکی وارد بدن می شود و به سرعت در پخش گردیده که به این ترتیب شیوع ساری بودن آن بی نهایت سریع است.)

شیوع وباء کولرا در سال 1846

در سال 1846 مریضی شدید کولرا در میان حجاج شیوع یافت و این مریضی تا سال 1850 ادامه یافت.

شیوع کولرا در سالهای «1865 - 1883»

همچنان در سالهای 1865 الی سال 1883 بار دیگر مریضی شدید کولرا شیوع یافت برخی از منابعی می افزایند که وبای کولرا در مراسم به وقوع پیوست که تعداد از حجاج در کوه عرفات و منی تشریف داشتند که زیاتر از حجاج در همانجا وفات یافتند.

قحطی و قیمتی بی وحد و اندازه:

مؤرخین می نویسند در سال 419 قمری قحطی و قیمتی به حد و اندازه ی رسید که حجاج اهالی مشرق و از جمله کشور مصر توانمندی آنرا نه یافتند که غرض ادای مراسم حج خود را به مکه مکرمه برسانند. (مرآة الزمان، صفحه 299) و (تاریخ صنعاء، صفحه 151)

شیوع وباء در سال 1837:

در سال 1837 مریضی وباء در مراسم حج شیوع یافت و تا سال 1840 ادامه یافت.

شیوع وباء سال 1858 میلادی و فرار مردم از حجاز به مصر:

در سال 1858 میلادی شیوع مریضی خطرناک وباء موجب آن شد که مردم از حجاز به مصر فرار کنند و مصری ها غرض جلوگیری از شیوع وباء محل خاص قرنطین را در منطقه ای «بئر عنبر» دایر نماید، تا بدینوسیله جلو شیوع این وباء را در سایر مناطق مصر نموده باشد.

شیوع مریضی ساری در سال 1864 در مکه :

در سال 1864 میلادی چنان مریضی خطرناکی در مکه شیوع یافت که مؤرخین می نویسند که روزانه در حدود هزار نفر حاجی از این مرض وفات می یافتند. (عجائب الآثار، جلد3، صفحه 606)

در سال 1871 باز هم مریضی خطرناکی ساری و بآء در مدینه منوره شیوع یافت، و این مریضی و بآء چنان خطرناک و سراسری بود که کشور مصر اطباء متخصص خویش را غرض مساعدت به مریضان به مدینه منوره اعزام داشتند، و در همین سال بود مناطق قرنطین در مکه مکرمه و راه مدینه ایجاد نمایند.

شدت میکروبی این مریضی در سالهای 1890، 1892، 1893، 1895، 1902م. / 1307، 1309، 1310، 1312، 1319ق. در موسم حج و میان حاجیان با شدت بیشتر باز هم شیوع یافت. اگرچه شیوع این مریضی در این سالها موجب تعطیل کامل مراسم حج و عمره نکردید ولی بر تعداد اشراک کنندگان حجاج و عمره تأثیری بسزای داشت.

شیوع کولرا در سال 1892 میلادی:

کولرا سال 1892 میلادی همزمان با موسوم مراسم حج، چنان به قوت اش شیوع و انتشار یافت، تا جایی که جنازه مردگان روی هم افتاد و فرصت برای دفن آنها نبود و در عرفات نیز عده زیادی از حجاج وفات یافتند، و اوج مرگ و میر در منا بود.

شیوع مرض « حَصْبَه » یا (تب تیفوئید) در سال 1895 :

«حَصْبَه» یا هم تب روده یا (تب تیفوئید) از جمله امراض عفونی است، که بر اثر باکتری سالمونلا تیفی به وجود می آید، این مریضی چنان ساری است که در آب و غذا الوده گشته و معمولاً با تب و اسهال بی اشتها و سردی شدید همراه می باشد. این مریضی از قافله سرایت کرد که از شهر مدینه در حرکت بوند، که به اثر آن تعداد زیاد از حجاج را در عرفات هم مبتلا ساختند.

شیوع مرض « مننژیت » یا مرض « سر سام » در سال 1987 :

«مننژیت» یا مریضی سرسام از جمله امراض ساری است که با ویروس و میکروب های باکتریایی همراه بوده، و از علائم و مشخصه عمده آن سردی، تب، سرگیچی، استفراغ و ناتوانی در تحمل نور همراه می باشد. این مریضی خطرناک ساری در سال 1987 میلادی در شهر مکه با چنان شدت و قوت اش شیوع یافت که در حدود ده هزار از زیرین حاجی وفات نمودند.

شیوع آنفولانزای مرغی (توغگی) :

در سال 2010م. / 1431ق. شیوع مریضی آنفولانزای مرغی (توغگی) موجب موجب تقلیل پنجاه درصد از زائران مصر و نیز تقلیل در عدد سایر حجاج مسلمین جهان بعمل آمد.

مریضی کورنا «کُووید ۱۹» و معطلی مراسم حج:

استاذ دكتور على محيى الدين د مسلمانانو د علماؤ د نړيوالې اتحادیې عمومی منشی په دینی فتوای کی لیکي :

سرکال 1441 هـ چی د 2020م سره سمون خوری د سعودی حکومت د کورونا ناروغی

له کبله عمره تر نا معلوم وخت پورې وځنډوله تر څو وقایوی اجرات یې کړی وی. په کال 1316 هـ د حج د ځنډیدلو هڅه هم وشوه ځکه چې په هاغه وخت کې د کولیرا ناروغی د خپریدولو د فرانسوی استخباراتو له لورې اوازی شوي وی. د حج د اداء کولو وخت د مستعمرې او اشغال شوی مسلمانانو لپاره ډیر خطرناک و؛ ځکه په عمومي توګه حاجیان به د علماء او مفکرینو او د اسلامی پوهنتون د داعیانو سره لیدني کولې نو ځکه د فرانسوي استخباراتو اوازه واچوله تر څو د مستعمرې مسلمانان و ډار کړی او حج ته ولاړ نشی.

سید محمد رشید رضا د مصر هیواد د موقف یادونه کړې او ویلی یې دی: په مصر کې د وزیرانو ځانګړی مجلس دایر شو تر څو د حاجیانو د حج څخه د منع کولو موضوع وڅیړی چې ګوا کې حاجیان به د حجاز څخه مصر ته و بیا را انتقال کړی، خو دا چې حج د دیني ارکانو څخه یو رکن و او د دیني چارو سره یې اړه درلوده نو ځکه یې د وزیرانو مجلس پرېکړه نه شوه کولای ترڅو چې یې د دیني علماؤ څخه فتوا او موافقه نه وی اخستی، نو ځکه د وزیرانو د مجلس مشر د مصر د قاضي، شیخ ازهر، د مصر مفتی، شیخ عبد الرحمن النواوی، د حقانی مفتی، شیخ عبد القادر الرافعی او د علمی مجلس پخوانی رئیس څخه وغوښتل تر څو مجلس کې ګډون وکړی، کله چې یې مجلس کې ګډون وکړ او مجلس په خپریدو شو، د دې فتوا د لیکلو لپاره سره راټول شول تر څو یې د وزیرانو مجلس ته ولیردی، فتوا یې په لاندیني متن تحریر کړه: « الحمد لله وحده.. لم يذكر أحد من الأئمة من شرائط وجوب أداء الحج عدم وجود المرض العام في البلاد الحجازية، فوجود شيء منها فيها لا يمنع وجوب أدائه على المستطيع »

(الحمد لله .. هېڅ یو امام د حج وجوب د اداء کولو لپاره د حجاز په سیمه کې د عامي ناروغی نه شتون شرط ذکر کړی نه دی، نو که لږه ناروغی شتون هم ولری د توانمند لپاره د حج اداء کول نه منع کوی.

بناء که څوک د حج د اداء کولو اراده لری که څه هم مرض موجود وی توانمند کولای شی چې حج فریضی لپاره ولاړشی.

البته هغه شرعی نهی چې د و بیا ځمکې ته د تلوو څخه منع کوی، ورڅخه هغه حال مراد دی کله چې ورسره په مقابل کې یو قوی شی مخامخ نه وی او دلته ورسره د حج قوی فریضه مخامخ ده، او همدا موضوع زمونږ د علماء کرامو په خبرو کې شتون لری.

دا (مصری فتوا) فتوا په ۲ ذی الحجة کال ۱۳۱۶ هـ کې ولیکل شوه. هذا والله أعلم، والحمد لله رب العالمين

استاذ دكتور على محيي الدين د مسلمانانو د علماؤ د نړيوالی اتحادیې عمومی منشی وایی :

خو راجح نظر دا دی چې کله که و بیا په یقیني توګه یا هم په غالب ګمان خپره شوی وی او د تجربه لرونکو او متخصصینو له خوا تائید شوی وی چې ټول حاجیان یا ځیني حاجیانو ته د ګني ګوني له امله ناروغی رسیږی نود عمرې او د حج د اداء کولو مراسم په لنډمهاله توګه او د اړتیا سره سم منع کول جایز دی.

د فقهاؤ په اتفاق د لارې د ویرې په مهال د حج پرېښودل جایز دی، بلکه توامندی د لارې امن او امان پورې تړلی ده، نو ځکه و بیا یې ناروغی د حج او عمرې د ځنډیدو لپاره یو مباح عذر بلل کیري البته باید د ناروغی څخه خوف او ویره په غالب ګمان شتون ولری،

او د دې پریکړې کول د متخصصینو ډاکترانو مسؤلیت دی، چې دځنډولو فرمان به د سعودی عرب د حکومت لخوا صادرېږي.

خو که حج او عمرې ته تگ د سعودی حکومت لخوا منع نشي، نوحج ته تگ یا نه تگ پریکړه به بیا هغه هیواد ته سپارل کیږي چې وپای وریکي خپره شوي ده تر څو حج یا عمره وځنډوي او کنه. تر څو وپای یا طاعون نورو حاجیانو ته انتقال نکړي.

خواننده گرامی !

بصورت کل باید گفتم که : آسانی و نرمش در ذات و بنیاد همه ادیان ابراهیم وجود داشته ، زیرا به تعبیر قرآن عظیم الشان ، دین الهی، در ذات خود یک امر فطری است. دین مقدس اسلام و شرعیت غرای محمدی صلی الله علیه وسلم ، بر محور آسانی و نرمش اسطوار بوده و آسانگیری و نرمش، با احکام و قوانین آن همراه است. روشنی مبادی و سادگی مفاهیم دین مقدس اسلام برای هر انسان عاقل و متمدنی قابل درک است، شریعتی ساده و قابل فهم، منطقی و معقول که هر فطرت پاک و سالمی ندای آن را اجابت می کند.

قرآن عظیم الشان در (آیه 30 سوره روم) می فرماید « فَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَیْمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ » (پس رویت را با پیروی از حق و بیزارى از ادیان باطل به سوی این دین راست کن، با همان فطرتی که الله مردم را بر آن آفریده است. (چون) در خلقت الله تبدیلی نیست. این است دین محکم و استوار، و لیکن بیشتر مردم نمی دانند.)

بنأ دین مقدس اسلام که کامل ترین دین الهی است نیز بر همین محور بوده و آسانگیری و نرمش، با احکام و قوانین آن همراه است.

اما با وجود نرمش و آسانگیری در برنامه های عملی اسلام، در اسلام حدود و مرزهایی نیز برای این آسانی مشخص شده است و به طور مطلق و در همه جا مورد پذیرش نیست، و نه تنها اسلام بلکه هیچ دین آسمانی سهل انگاری را در اجرای احکام الهی نمی پذیرد.

بنأ باید خدمت خوانندگان محترم بعرض برسانم که فهم شرعی در مورد وپای مهلك كورنا همین است که بخاطر خوف و حفظ سلامتی خود و دیگران عدم رفتن به حج شرعی جایز بوده ، وکسانیکه باید حج فرضی را برجا آورد ،میتوانند آنرا در سالهای دیگری ،اگر حیات باقی بود ان شا الله بجا ئ آورند .درضمن حکومت عربستان سعودی حق شرعی دارد که برای سلامتی حجاج کشور خود وحجاج کشورهای اسلامی و غرض جلوگیری از شیوع خطرناک كورنا مراسم حج را تعطیل فرماید. واین تعطیل مراسم حج غرض جلوگیری شیوع كورنا در جمله عذر های مباحث بشمار می رود . والله اعلم

دعاء های قرآنی را نباید فراموش کرد :

خواننده محترم !

اپیدمی ویروس کرونا از جمله مریضی های است که همه انسانها را از دم تیغ می گذراند، شباهت زیادی به عذاب های الهی دارد ،که تر و خشک در آن می سوزند ، این مریضی و بلاء فقیر ، سرمایدار رئیس جمهور و رئیس دولت ،داکتر طب و پرسونل صیحي همه اشخاصی را که خواسته باشد به کام مرگ کشاند .ویروس كورنا با سنت

عذاب الهی یا قضا و قدر هدف دار، که جز راهی تسلیم شدن در برابر آن نیست. زیرا وقتی که عذاب الهی می آید، جایی برای تداوی و معالجه باقی نمی ماند. بناً گفته می توانیم که ویروس کورونا مرض «جنی» است که با سرعت تمام، از کشور چین آغاز یافت و توانست خود را به سراسر قاره دنیا برساند. توصیه ما به تمام عزیزان اینست که از این وباء مهلک ترس و خوفی را بخود راه ندهند و به الله تعالی با عظمت توکل کنید، زیرا تمام اتفاقات در دست الله تعالی است و تا زمانی که خواست و اراده الله نباشد، یک آفت در جامعه منتشر نمی شود. ویروس کرونا هم مخلوق پروردگار و در اختیار خالق است. بناً توصیه می شود برای حفاظت از ویروس کرونا و سایر آفات و امراض ساری و مخوف به کثرت صدقه بدهید و به فقرا، محتاجان، نیازمندان، مساجد و مدارس دینی رسیدگی کنید.

زکات اموالتان را پرداخت کنید، به ادای نمازهای پنج گانه و نوافل خویش، پایبند باشید، ذکر پروردگار را به کثرت بگویید، به کثرت توبه و استغفار کنید، از مفسد اخلاقی بپرهیزید و حقوق الله و حقوق الناس را جداً رعایت کنید. در جنب اینکه به علاج طبی و ارشادات صحیحی اطباء و موضوع قرنطین از مرض کورونا اهتمام خاص می ورزیم و علاج و وقایع آن بر ما مستحب است ولی فهم عالی دعا های ذیل را نباید فراموش کرد:

« قُلْ لَنْ يَصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ »

«بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الأرض ولا في السماء وهو السميع العليم» سه بار و یا هم اضافه از سه بار.

«أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق»

تلاوت سوره الإخلاص سه بار،

تلاوت المعوذتين سه بار،

« اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَهْلِي وَمَالِي، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي، وَأَمِنْ رَوْعَاتِي، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ، وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي، وَعَنْ شِمَالِي، وَمِنْ فَوْقِي، وَأَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي »

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ، وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ»

« اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُنُونِ، وَالْجُدَامِ، وَمِنْ سَيِّئِ الْأَسْقَامِ »

همچنان تلاوت قرآن عظیم الشان، اذکار قرآنی و تسبیحات را نباید فراموش کرد. پایان

على الله توكلنا و اليه المسير

کولن - کشور جرمنی اپریل 2020

اسم رساله: حج و ویروس کرونا

تتبع، نگارش و نوشته از:

امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

و داکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »